

۷ مشکل داخلی در تولید و صنعت

به بهانه ۲۱ مرداد ماه ۱۴۰۰ روز حمایت از صنایع کوچک

نویسنده: سیدجواد حسینی . مشاور صنعتی

چرا حال تولید در کشور ما خوب نیست؟

در پاسخ به این سوال باید بگوییم دلایل متعددی باعث شده حال تولید خوب نباشد و امروزه کمتر کسی بدنبال آن است، زیرا با وضع موجود بسیاری از تولید کنندگان از همان ابتدا محکوم به شکست هستند، و کسانی که به سختی این راه را ادامه می دهند فقط بخاطر عشق به تولید است و به قول شاعر گرانقدر نظامی گنجوی:

بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند بگفت اندوه خورد و جان فروشند

بگفتا جان فروشی در ادب نیست بگفت از عشق بازان این عجب نیست

با این وجود باید گفت علیرغم تلاش های زیاد دولت محترم در حمایت از تولید، کمتر جواب اثربخشی گرفته شده، زیرا اشکالات زیادی وجود دارد که مانع رشد تولید می شود، از جمله: تحریم های بین المللی و بی ثباتی بازار، نرخ بالای بهره، کمبود نقدینگی و... اما در این مقاله قصد داریم دلایلی که کمتر مورد توجه و منشا داخلی دارد و قابل کنترل توسط مسئولین و برنامه ریزان می باشد را بررسی کنیم.

در بین دلایل متعدد، ۷ دلیل به همراه راهکار آن تقدیم می گردد و امید است مورد توجه و نظر مسئولین محترم قرار گرفته، تا در سال حمایت از تولید و در سایه سیاست های اقتصاد مقاومتی، تولید در کشور ما رونق گیرد.

۱- مشکل اول اخذ جواز تاسیس صنعتی

جواز تاسیس تقریباً به همه داده می شود و هیچ شرطی هم ندارد. یاد می آید یک روز فردی از ما درخواست صدور ۱۰۰ جواز تاسیس داشت تا بتواند بعنوان مجوزی برای ثبت نام تجاری استفاده کند. طبق برآورد کارشناسان سازمان صنعت، معدن و تجارت، ۱۰٪ جواز تاسیس ها به موفقیت و تولید می رسند. این یعنی چه؟ چرا ۹۰٪ بقیه باید جوازی را بگیرند ولی استفاده نکنند، و یا نتوانند استفاده کنند. آیا دولت از این جواز ها در آمد کسب می کند؟

خیر این طور نیست . چون درآمد زیادی برای دولت ندارد ، و هزینه های صدور آن حتی بیشتر است . آیا بسیاری از آمار های غلط در صنعت ناشی از آمار های غیر واقعی و سوری و عملیاتی نشده در صنعت نمی باشد که باعث گمراهی تولید کنندگان یا بازرگانان و برنامه ریزان می شود ؟ چرا به همه جواز داده میشود ؟ طبق قانون جهت تسهیل در تولید و عدم جلوگیری از رانت به همه جواز داده می شود . اما وقتی جواز بدون هیچ چارچوبی و صرفا بخاطر جلوگیری از رانت به همه داده می شود باعث ایجاد مشکل برای صنعت می گردد .

جهت رفع این مشکل پیشنهاد می شود جواز برای محصولات یا صنعت خاص بر اساس شرایط و موقعیت و فرصت ها و مزیت های منطقه ای در ۳ کانال قرار گیرد :

کانال سبز یعنی جواز به رنگ سبز داده شود و در این حالت حمایت دولتی و تسهیلاتی صورت گیرد . (کالاهایی که موقعیت و فرصت در منطقه و کشور وجود دارد یا از نظر صادراتی فرصت می باشد)

کانال آبی یعنی جواز به رنگ آبی داده شود. در این کانال کالاهایی که تولید آنها با ریسک بالا و رقابتی می باشد و در این حالت بازار اشباع می باشد و محصولات نوآوری ندارد لذا حمایت تسهیلاتی و دولتی نباشد ، و تولید کننده با توان خود باید اقدام کند.

کانال قرمز یعنی برای تولید این محصول هیچ فرصتی وجود ندارد و بازار فوق اشباع می باشد یا اصلا بازاری وجود ندارد ، مواد اولیه ممکن است نباشد ، قوانین محدودیت دارد و یا عمر محصول در حال اتمام است ، برق و آب بالایی نیاز دارد ولی در منطقه وجود ندارد.

لذا بهتر است جواز داده نشود و اگر هم جواز داده می شود باید با شرایط خاص داده شود و هر استان با توجه به شرایط استان خود و قوانین کشور باید این تصمیم را بگیرد. این جواز به رنگ قرمز می باشد.

البته هر سال باید محصولات این ۳ کانال بررسی شود و با توجه به شرایط والوئتهای سرمایه گذاری هر استان و دستگاه تصمیم گیری شود.

فراموش نکنیم ما در مقابل سرمایه های اجتماعی ، سرمایه ملی ، وقت مردم ، تلاش در جهت حرکت درست مردم ، مسئولیم ، و اگر کانال درستی را ایجاد نکنیم و سیاست گذاری درستی ایجاد نکنیم فجایع کارخانجات ماکارونی ، کارخانجات پنل سقفی و..... تکرار می شود .

۲- مشکل دوم عدم همراهی مشاور با تولید کننده

باید گفت تولید کننده ای که در طراحی، معماری، نقشه کشی، محاسبات، ساخت، نظارت، تولید، بهداشت، مهندسی صنایع، ارزیابی کاروزمان، GMP، انبار، تولید، لجستیک، چیدمان خط، حقوقی، بانکی و بیمه و... بیشتر به توان خود یا نهایت یک مهندس عمران آن هم از روی ناچاری برای ساختمان سازی تکیه می کند، و نمیداند تولید فقط ساخت یک ساختمان نمی باشد، بعد از راه اندازی متوجه می شود ۵۰٪ سرمایه ثابت او در ساختمان اداری و انبار های خالی دفن شده است و نمی تواند از آن ارزش افزوده بگیرد، به جایی می رسد که پول ندارد تولید را شروع کند، و قبل از شروع تولید زمین گیر می شود.

یک راننده تاکسی در کشورهای پیشرفته چند مشاور دارد: مشاور حقوقی، مشاور مالیاتی، مشاور فنی، مشاور سلامتی. چرا برای ساخت یک کارخانه با چند میلیارد سرمایه گذاری یک مشاور و همراه وجود ندارد؟ چرا جای مشاوران در کنار تولید کننده جدی گرفته نمیشود؟ چرا مشاوران نباید همراه یک تولید کننده حرکت کنند؟ راهکار ساده این است که مسیری ایجاد شود تا در کنار سرمایه گذار، مسئولیت تولید بهره ور و اطمینان از ساخت یک کارخانه درست به مشاوران ذیصلاح سپرده شود. و حداقل اگر تسهیلات دولتی به سرمایه گذاران داده می شود، اجبار به داشتن یک مشاور و همراه داشته باشد.

۳- مشکل سوم عدم توجه به اهلیت در تولید

اگر نگاهی به تولید کنندگان موفق داشته باشیم می بینیم بسیاری از آن ها از یک زیرزمین یا یک کارگاه کوچک در یک مسیر طولانی با کسب تجربیات فراوان تبدیل به تولید کننده ای موفق شده اند. امروز دیگر نمی توان از سر بیکاری و ناچاری رفت و تولید کرد. تولید کننده، راننده موتور سیکلت یا راننده یک خودرو نیست که فقط یک گواهینامه ساده بگیرد، هر چند گرفتن این گواهینامه هم، چندین ساعت آموزش عملی و تئوری و آزمون نیاز دارد. شاید بتوان گفت تولید کننده، خلبان یک هواپیمای مسافربری بزرگ است که باید در یک مسیر طولانی با پشت سر گذاشتن آموزش های متعدد و کار با مربیان مختلف و کسب تجربه در کنار سایر تولید کنندگان، بتواند از پس مشکلات تولید و بازار های بی ثبات و پر تلاطم، بهره های بالای بانکی، عوارض بالای بیمه و مالیات، جریمه های مختلف و.... برآید و هر روز مجبور نباشد برای حفظ کارخانه خود کارهای عجیب و محیر العقول انجام دهد.

چرا نباید تولید کننده گواهی نامه ای مانند گواهینامه رانندگی داشته باشد؟ و چگونه کار به این مهمی هیچگونه شرطی ندارد؟

موتور سیکلت سواری گواهینامه و کار بلد می خواهد ولی کارخانه داری هیچ نمی خواهد حتی پول هم نمی خواهد ! چون بسیاری از موارد پول فراوان با بهره بالا مثل یک دام برای تولید کننده وجود دارد . راهکار این است که حتماً به اهلیت داشتن سرمایه گذار (تجربه و توانمندی) خصوصاً در هنگام اعطا تسهیلات توجه شود. و برای کسانی که جوان هستند و یا تجربه کافی در صنعت و تولید ندارند اما انگیزه دارند، برنامه ای برای توانمندی آنها ایجاد شود تا تضمینی برای موفقیت تولید ایجاد شود.

۴- مشکل چهارم تسهیلات بانکی و نحوه پرداخت و بازپرداخت آن

یک کارخانه دار وقتی تسهیلات بانکی جهت احداث کارخانه می گیرد کمتر تصویری از مراحل ساخت (دوره مشارکت)، دوره تنفس و دوره بهره برداری دارد ، و خوشحال است پولی را دریافت کرده است ، و گاه فراموش می کند اصل پول سرمایه ثابت و اصل پول سرمایه در گردش را بعلاوه کارمزد بانکی ، بهره دوره مشارکت ، بهره دوره تنفس و بهره دوره بهره برداری و گاه جریمه دیرکرد را باید یکجا پردازد، یعنی از همان سال اول. یعنی زمانی که نه مشتری، نه بازار و نه برند دارد و با ۳۰٪ تا ۴۰٪ ظرفیت کار میکند ، و هنوز نتوانسته است بر مشکلات شروع کسب کار مسلط شود . سرمایه در گردش کافی ندارد که کار کند ، چک های مشتریان برگشت می خورد ، فروش خود را با چک های طولانی مدت ۶ ماهه تا یکساله انجام می دهد ، سازمان های دولتی مثل اداره مالیات و بیمه.... هم مشتری جدیدی پیدا کرده اند و می خواهند سهم خودشان را ببرند . این در حالیست که تامین کنندگان ، پول نقد می خواهند و گرنه مواد نمیدهند ، کارکنان حقوق خود را هر ماه می خواهند ، و گرنه می روند، اداره بیمه حق بیمه را ماهیانه می خواهد ، و گرنه جریمه می کند ، و چنانچه اشتباهات تولید را که هزینه ساز می باشد اضافه کنیم ، و هزار مشکل دیگر که همه یکجا به هم میرسند ، تولید کننده در همان سال های اول فلج می شود.

اگر تصور کنیم یک تولید کننده بدترین زمان خود را زمانی سپری می کند که تازه شروع کرده (یعنی بعد از دوره تنفس)، یعنی هزینه ها در بالاترین سطح و نقدینگی در پایین ترین سطح قرار دارد ، اینچنین است که تولید کننده نمی تواند خود را از دره مرگ ابتدای تولید برهاند ؛ پس یا تعطیل می کند یا با حرکت های ایزدایی و عجیب سعی می کند از بانک های دیگر وام بگیرد و خود را ننگه دارد .

اما تا کی این مشکل ادامه می یابد؟ حداکثر تا ۵ سال. یعنی شواهد نشان می دهد ۹۰٪ شرکت ها حداکثر تا ۵ سال زنده می مانند ، و بتدریج از بین می روند ، و فقط ۱۰٪ بعد از ۵ سال زنده می مانند . حال چه باید کرد ؟

اولا باید زمان بازپرداخت در تولید بجای ۵ سال به ۷ سال تغییر کند . ثانيا بهره بانکی در تولید باید به کمتر از ۱۰٪ برسد ، وگرنه با بهره ۱۸٪ هیچکس نمی تواند تولید کند ؛ اگر هم تولید کند معجزه می کند ! ثالثا شروع زمان بازپرداخت اصل و بهره نباید به همان سال اول بیانجامد ، بلکه باید به سال های بعد اضافه شود ، چون شرکت در سال های اول مثل یک نوزاد است و نمیتواند اقساط خود را باز پرداخت نماید .

بطور خلاصه باید گفت نقشه ای که برای تولید ترسیم شده است نقشه مرگ است و تسهیلات بانکی که داده می شود بطور نامناسب و در شرایط بد داده می شود.

۵- مشکل پنجم سرمایه در گردش بزرگترین و اصلی ترین بدبختی تولید

مشکل سرمایه در گردش که به عنوان نقدینگی از آن یاد می شود را تقریباً همه دارند . سرمایه در گردش در بعضی از کارخانجات تا حتی ۸۰٪ سرمایه ثابت است ، ولی سرمایه گذار ممکن است این موضوع را خوب درک نکند ، و تسهیلات دولتی نیز فقط سرمایه در گردش را ۲۰٪ سرمایه ثابت پرداخت می کند . پس ۶۰٪ مابقی سرمایه در گردش را از کجا باید تامین کند؟ و اینچنین است که همه مشکل نقدینگی دارند .

لازم است سرمایه گذاران تولیدی که یک میلیارد وام میگیرند باید حداقل یک میلیارد آورده داشته باشند که با مشارکت ۵۰٪ سرمایه خود ۵۰٪ دیگر را به عنوان سرمایه در گردش داشته باشند . ولی اکثراً با یک میلیارد آورده ۳ میلیارد تسهیلات میگیرند و اینچنین است که گره بزرگی در تولید ایجاد می شود.

راهکار اول این است که وضعیت واقعی هر تولید از نظر میزان سرمایه در گردش ، که عمدتاً ناشی از سرمایه در گردش مواد اولیه می باشد ، بررسی شده و کسی که واقعا سرمایه در گردش بیشتر از ۲۰٪ می خواهد در همان طرح اولیه دیده و پرداخت شود .

راهکار دوم این است که توان مالی فرد قبل از شروع کار بررسی شود و اجازه داده نشود این تولید را با این سرمایه در گردش بالا شروع کند . ماشینی که باک بنزین آن ۵۰ لیتر است نمی تواند در مسیر طولانی بدون بنزین ادامه مسیر دهد . حتماً قبل از رسیدن به مقصد بنزین تمام می شود و کارخانه متوقف می شود.

۶- مشکل ششم تصور کارخانه داری یا عشق کارخانه داری

امروزه عشق کارخانه داری زیاد شده است و کارخانه داری یک کار با پرستیژ شده است و کمتر کسی قبل از ورود به تولید از مشکلات آن خبر دارد. از طرفی اکثر افراد فکر میکنند برای ورود به تولید و صنعت باید از یک کارخانه بزرگ در شهرک صنعتی شروع کرد، و کمتر کسی بدنبال شروع کار از یک کارگاه و تولید در یک زیرزمین یا در یک گاراژ یا زیر پله یا اتاق منزل خود می باشد. یعنی در ابتدا بیاید با کمترین هزینه سر بار، تولید را شروع کند، و قوانین مختلف نیز کاری با او نداشته باشند و یا راهی برای او پیدا کنند. و بعد از اینکه مدتی کار کرد و با مشکلات تولید و بازار آشنا شد کار خود را گسترش دهد و از کارگاه به کارخانه گسترش دهد.

راهکار این است که کارهای صنفی، کارگاهی و حتی کارخانجات با سرمایه گذاری کمتر از یک میلیارد تومان حتی دو میلیارد تومان را در شهرک های صنعتی راه اندازی نکنیم. یعنی اجازه ندهیم در شهرک های صنعتی مستقر شوند (بجز موارد خاص). باید گفت بعضی کارخانجات حجم و نوع کارشان کارگاهی هست، یعنی انبار، فضای اداری و فضاهای بی فایده ندارند و فقط یک کارگاه دارند و در همان کارگاه میز اداری هم دارند. یعنی سرمایه ثابت خود را در جایی استفاده می کنند که عملیاتی می باشد، نه در زمین بزرگی که مجبورند بخرند چون زمین کوچک وجود ندارد.

مطابق قوانین بهداشت و کار و... باید بخش های مختلفی ایجاد کنند و پول خود را در آن دفن کنند بدون اینکه بتوانند از آن خروجی بگیرند. یا گاه مجبور می شوند زمینی را در شهرک صنعتی بگیرند که بجای ۱۰۰۰ متر ۲۰۰۰ متر است، چون قواره ۱۰۰۰ متری ندارند و باید ۴۵٪ آنرا بسازند. یعنی پول ۲۰۰۰ متر زمین را می دهند و ساختمان بزرگ می سازند بدون این که استفاده کنند.

پس راهکار این است که اجازه بدهیم و تشویق کنیم و مسیری درست کنیم که کارخانجات کوچک در شهرها یا شهرک های صنفی یا در شهر و خانه (مشاغل خانگی مستقر شوند. کارگاه هایی که آلودگی ندارند و با سیستم شهری منطبق هستند به راحتی میتوانند پروانه بگیرند، در شهرها مستقر شوند، و یا این که شهرک های صنفی یا کارگاهی ایجاد کنیم؛ یعنی فرصت های کوچک برای شروع کسب و کار کارگاهی را با کمترین هزینه ایجاد کنیم.

۷- مشکل هفتم قوانین زیاد و پیچیده تولید

مشکل تعدد قوانین و مقررات و پیچیدگی آنها و اضافه شدن و تغییر قوانین و بخشنامه های جدید بطور دایم و حتی تفاوت این قوانین بین استانها، باعث سردرگمی و فشار عصبی بیش از حد به تولید کننده شده و این درحالیست که در یک سازمان قانونی و نظارتی شاهدیم بین دو کارشناس در مورد یک دستورالعمل اختلاف نظر وجود دارد.

این موارد در کنار هزینه های بالای اخذ مجوزها و اضافه شدن هر ساله هزینه های مجوز فشار زیادی به تولید کننده وارد می کند، گویی دولت بدنبال درآمد زایی از اخذ مجوزها می باشد. در این راستا هر چند فناوری اطلاعات و اینترنت آمده است تا کارها را ساده و سریع نماید ولی متأسفانه شاهدیم این اتفاق نیفتاده و کارهای بیشتر و پیچیده تر شده و وقت و هزینه تولید کننده هر روز افزایش می یابد.

راهکار پیشنهادی این است که در سال مانع زدایی اولابجای قوانین زایی بیاییم قوانین زدایی کنیم و در راستای قانون بهبود فضای کسب و کار که هنوز اجرا نشده است کاری کنیم.

ثانیاً در زمینه اطلاع رسانی صحیح به تولید کننده سازمانهای دولتی و نظارتی محترم شرایطی را فراهم نمایند که به موقع و درست قوانین به اطلاع تولید کننده برسد و نباید قوانین و بخشنامه ها را فقط در وب سایت یا در تابلو اعلانات سازمان بزنیم و انتظار داشته باشیم همه بدانند. حداقل بایک جلسه، تماس تلفنی یا نامه به تولید کننده ابلاغ و اطلاع دهیم.

سخن آخر

در روز حمایت از صنایع کوچک، در سال حمایت از تولید، پشتیبانی و مانع زدایی، در راستای سیاست های اقتصاد مقاومتی رهبر معظم انقلاب، و در روزهایی که همه جانبه در حال درک معنی جنگ اقتصادی هستیم، تنها امید به پیروزی کشور، توجه به قانون تولید و حمایت خاص و ویژه از صنایع کوچک است.

لذا از مسئولین عزیز تمنا داریم اشکالات و موانعی که بر سر راه تولید می باشد را بردارند یا حداقل موقتاً کنار بذارند و فرآیند صنعتی شدن تولیدات استان را تسهیل و تسریع نمایند و کمک کنند این مشکلات و سایر مشکلات نباشد یا کمتر شود و در جهت اجرای راهکارهای مناسب از جمله پیشنهادات این بنده حقیر گام بردارند.

باتشکر

سید جواد حسینی/ ۲۱ مرداد ماه ۱۴۰۰

مشاور صنعتی

مدیر عامل شرکت کیفیت سازان